

#1

NOW!

# THANOS

LEMIRE  
DEODATO  
MARTIN



MIKE DEODATO JR

#1

MARVEL

دورنامه  
dorrname.ir

کاری از: کیوان داوود

بلک کوادرننت از دوردست شبیه  
هر قمر کوچک دیگر است که در  
حاشیه بیرونی فضا قرار دارد  
ولی ظاهر آن نباید ناظران را به  
اشتباه بیندازد، چون اصلاً شباهتی  
به اقمار دیگر ندارد...



چون در آنجا استحکامات فرقه سیاه قرار دارد. این افراد گروهی از  
مزدوران، خلافکاران و برده دارانی هستند که این بخش از فضا  
را سالهاست تحت سلطه خود قرار داده اند.

و در قلب این قمر که  
به شکل تراشه های کریستالی  
پخش شده است، برجی سر  
به آسمان کشیده است. از  
اینجاست که او مراقب اوضاع است...



...کورس گلیم. سرکرده  
فرقه سیاه. حاکم بلک کوادرننت.  
بدترین بدترین ها در برابر او  
سر تعظیم فرود آوردند و او  
به عدالت و صلابت به آن  
حکم می راند.



زمانی بود که کوروس گلیو  
به دیگری تعظیم کرد.  
زمانی بود که رهبر نبود، بلکه  
مطیع قالمان دیگر بود.



این رهبر قالم به نام های بسیاری شناخته  
می شد. بعضی ها او را تایتان دیوانه می خواندند.  
کوروس گلیو او را ولی نعمت خود می دانست.



ولی دیگر این حکایت به  
سر آمده بود. چون این رهبر  
قالم درگیر بسیاری از افراد و  
جنگ های متعدد شد و تمرکز خود  
را در جنگ های داخلی و پنهان  
از دست داده بود. بعد از مدتی  
این رهبر ستم پیشه مرزهای خود  
را رها کرد.

در غیاب او کوروس  
گلیو کنترل اوضاع را در  
دست گرفت. او سپاهی  
جمع کرد و حکومت را مال  
خود کرد.



بزودی او تبدیل به پادشاهی  
شد که همیشه می دانست برای  
آن زاده شده است.



تایتان دیوانه با ایجاد وحشت و توحش  
حکمرانی می کرد. ولی کوروس گلیو  
می دانست چطور الهام بخش باشد.

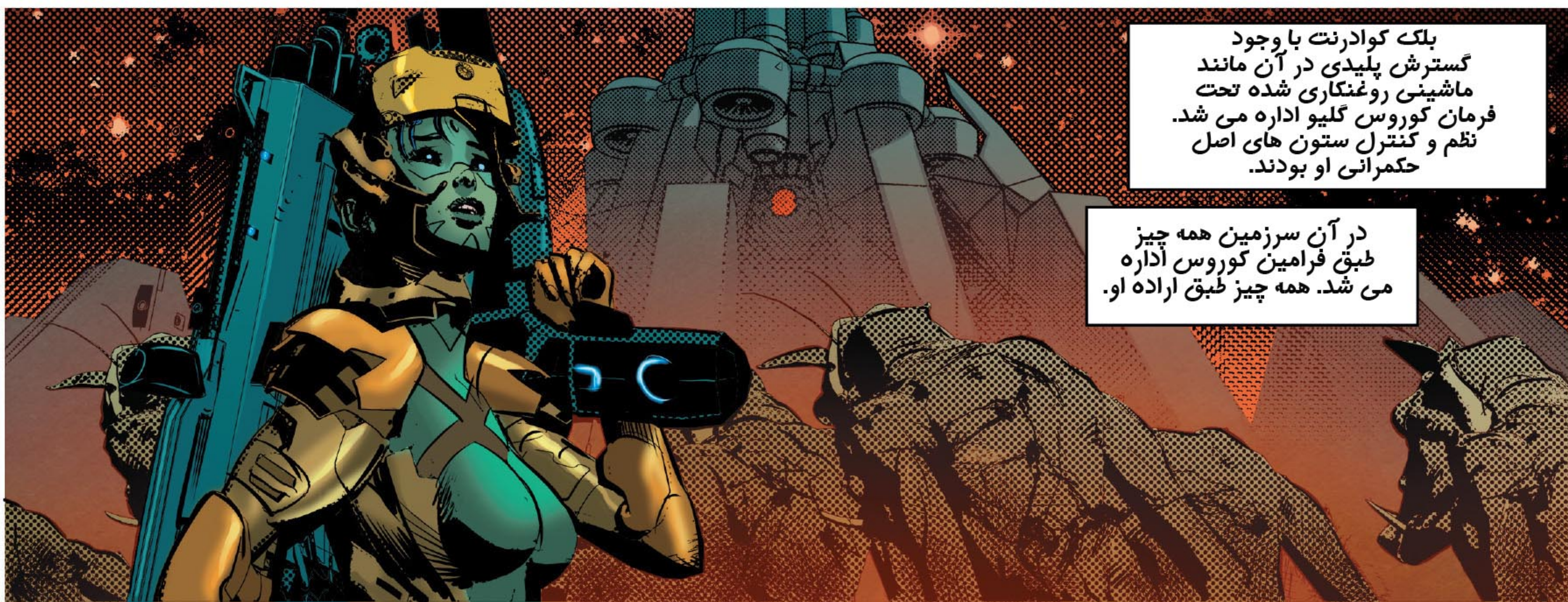


اخبار مربوط به سخاوت او و سخنانی که افراد وفادار به او در بین  
مردم پخش می کردند، در همه جای کهکشان به گوش می رسید و فرقه  
سیاه رشد کرد و مرزهایی که تحت کنترل کوروس در می آمدند روز به روز  
گسترش می یافتند.



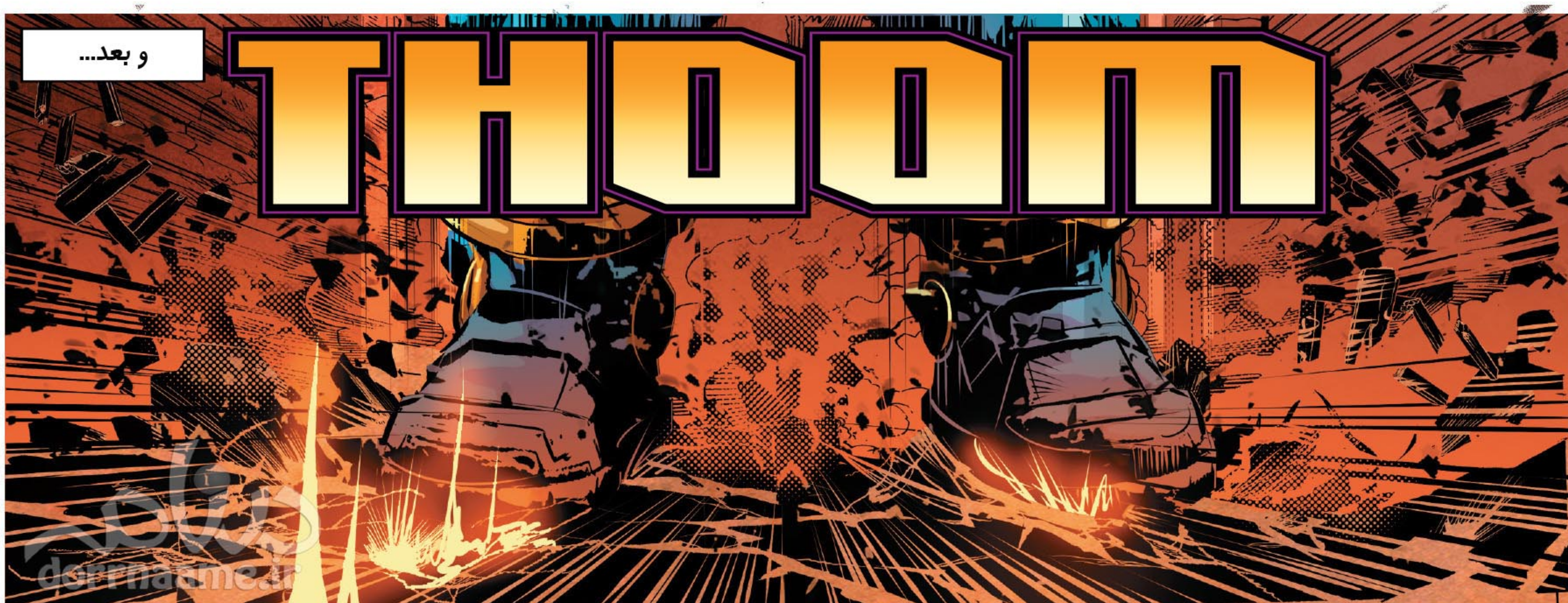
بلکه کوادرننت با وجود  
گسترش پلیدی در آن مانند  
ماشینی روغنکاری شده تحت  
فرمان کوروس گلیو اداره می شد.  
نظم و کنترل ستون های اصل  
حکمرانی او بودند.

در آن سرزمین همه چیز  
طبق فرامین کوروس اداره  
می شد. همه چیز طبق اراده او.



و بعد...

**THOOOM**



# THANOS RETURNS

باز گشت تانوس

**JEFF LEMIRE**  
WRITER

**MIKE DEODATO**  
ARTIST

**FRANK MARTIN**  
COLOR ARTIST

**VC'S CLAYTON COWLES**  
LETTERER

**MIKE DEODATO + FRANK MARTIN**  
COVER

**JEFF DEKAL: MIKE DEL MUNDO: ALEX KROPINAK: RON LIM + RACHELLE ROSENBERG**  
VARIANT COVERS

**KATHLEEN WISNESKI**  
ASSISTANT EDITOR

**DARREN SHAN**  
ASSOCIATE EDITOR

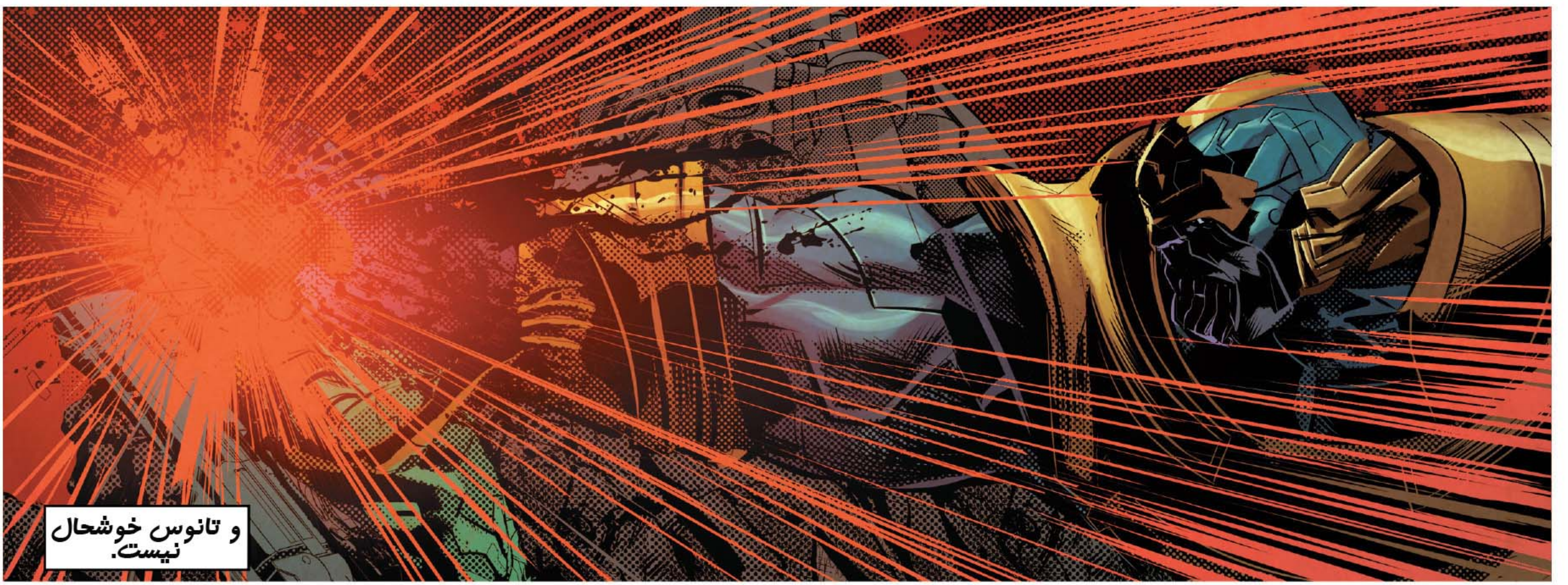
**JORDAN D. WHITE**  
EDITOR

**AXEL ALONSO**  
EDITOR IN CHIEF

**JOE QUESADA**  
CHIEF CREATIVE OFFICER

**DAN BUCKLEY**  
PUBLISHER

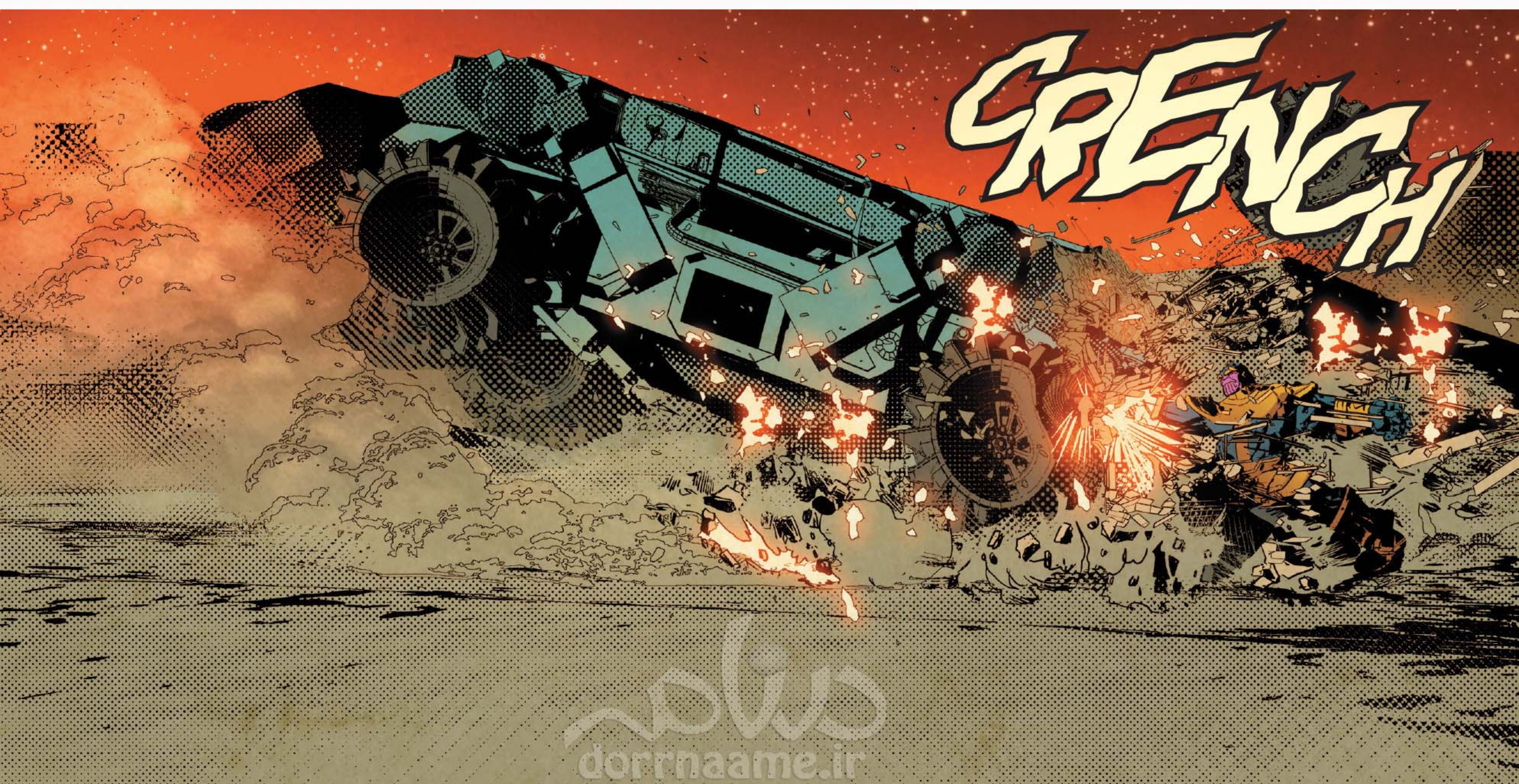
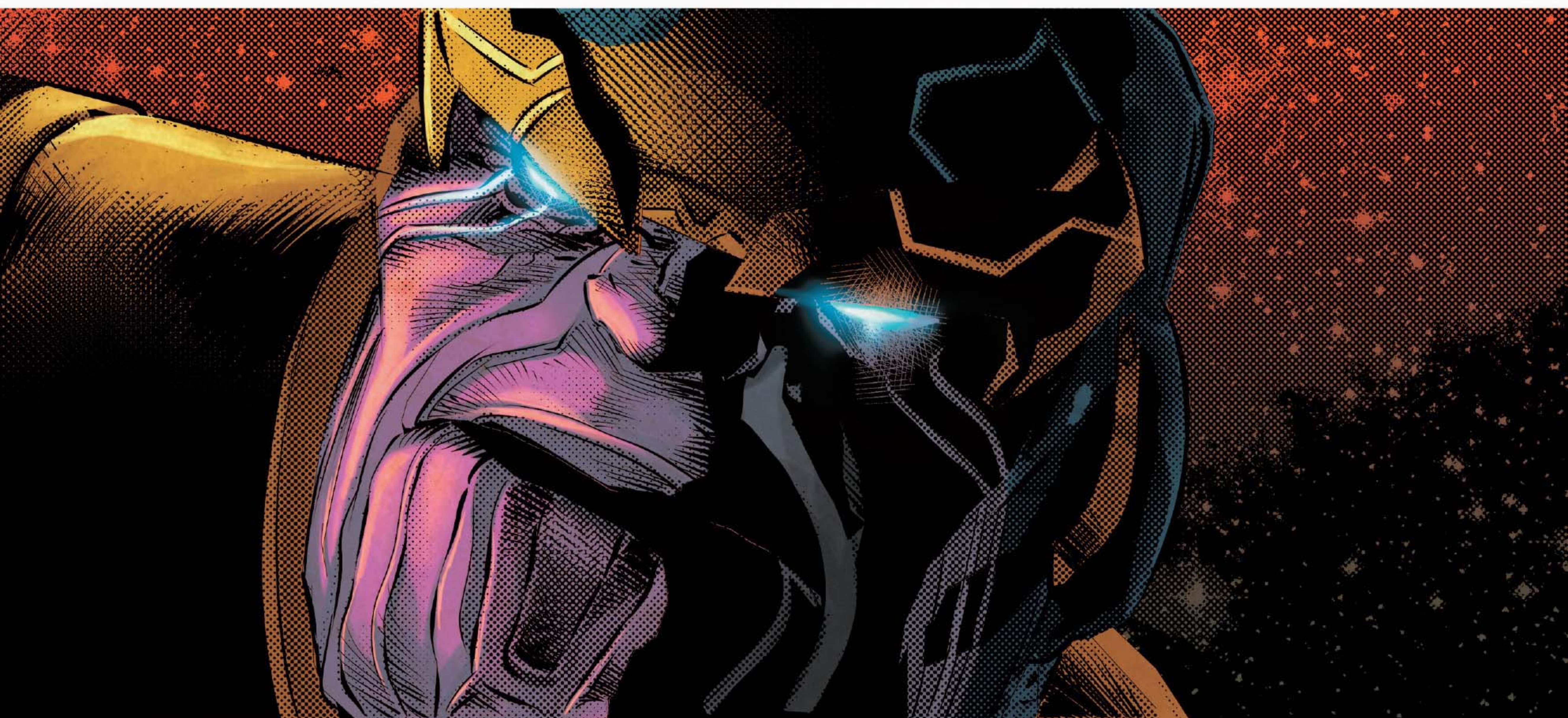
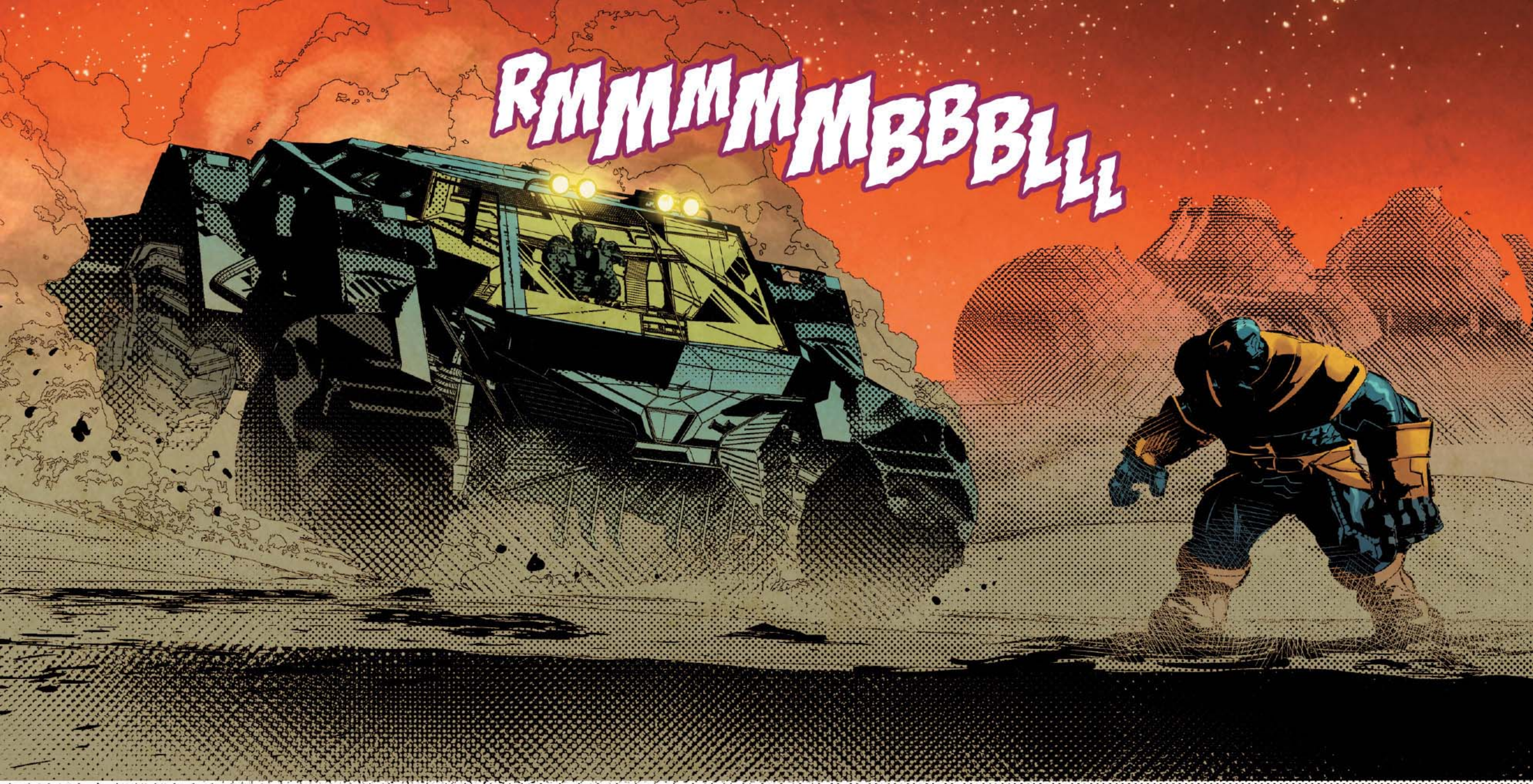
**ALAN FINE**  
EXEC. PRODUCER

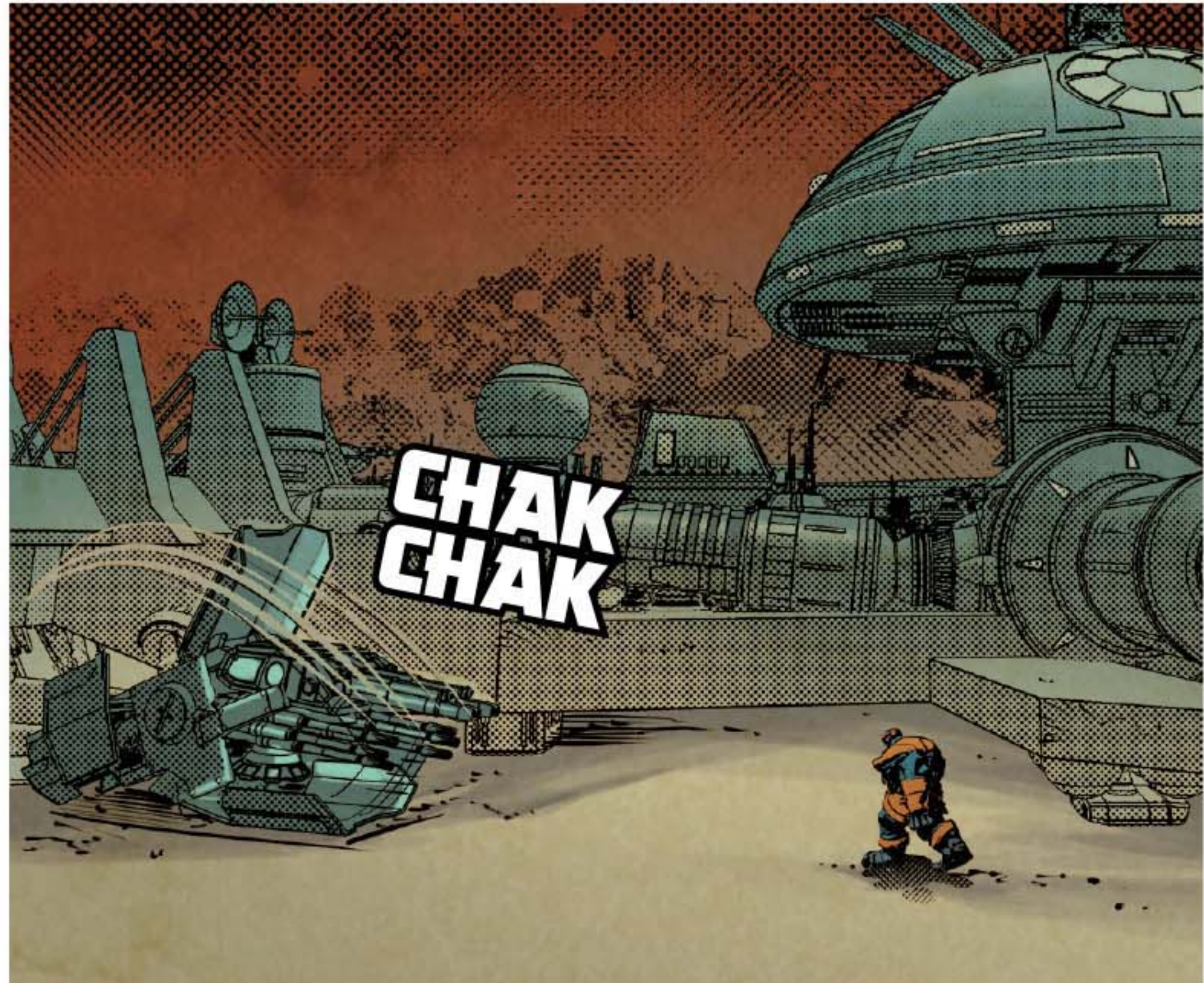
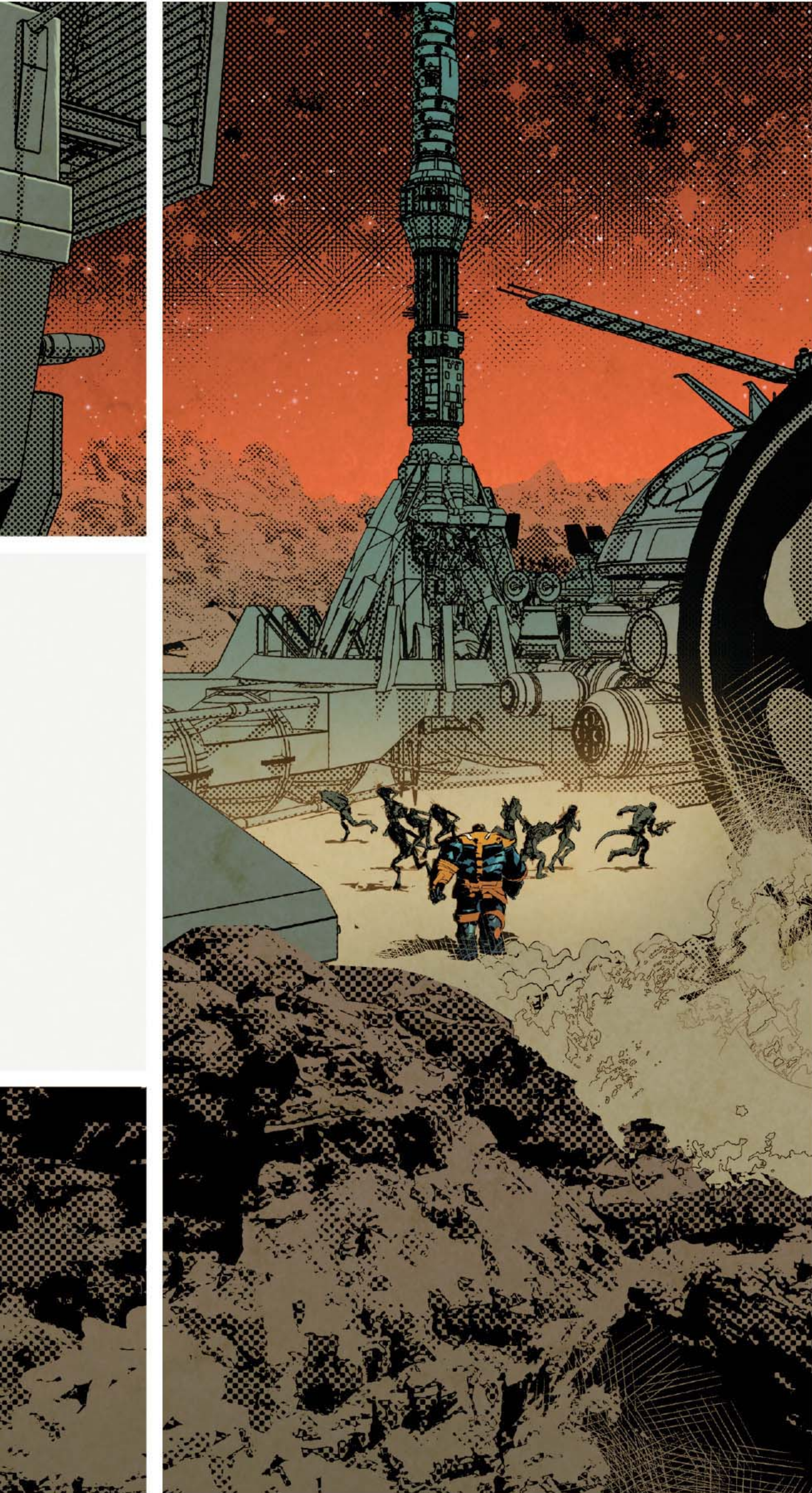


و تانوس خوشحال  
نیست.

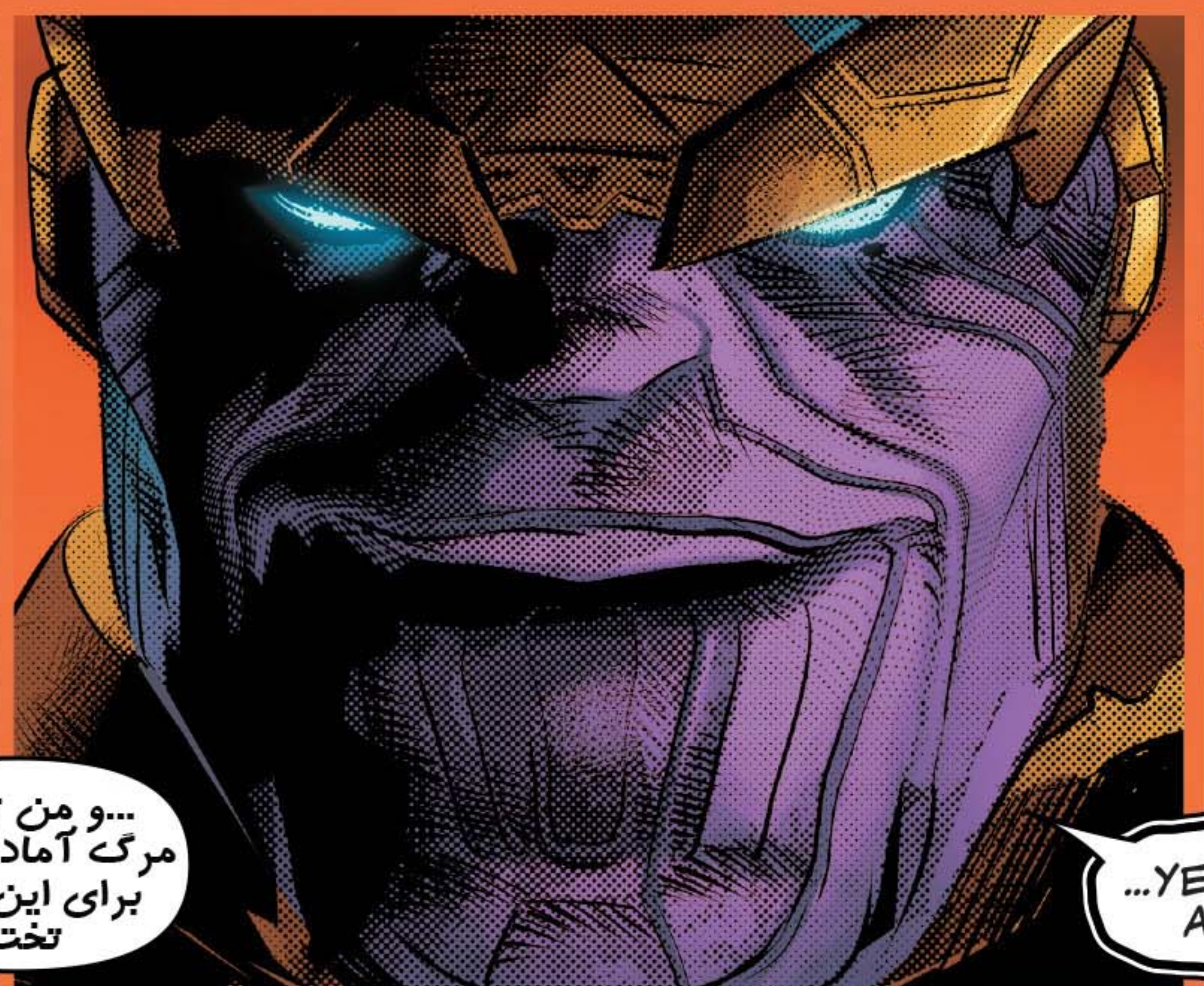


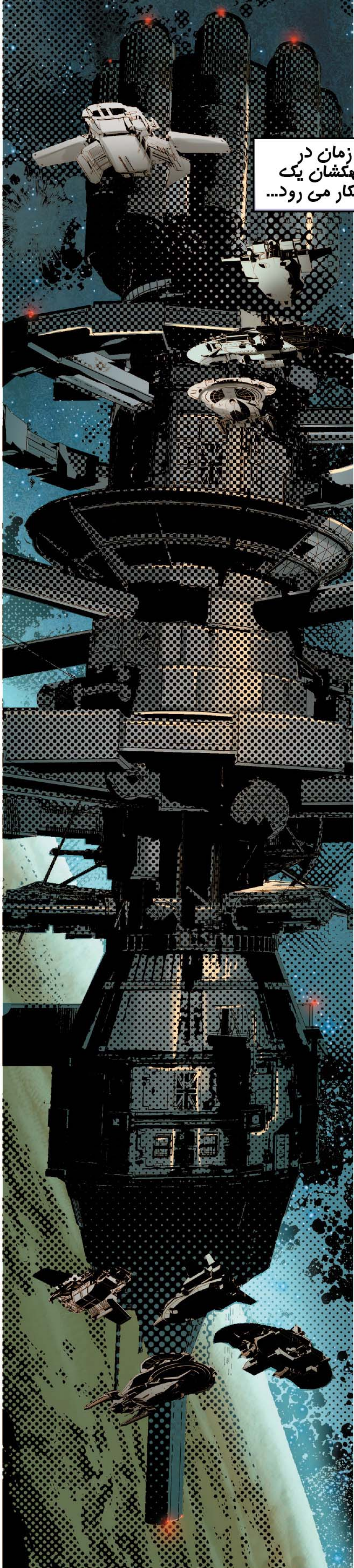
GAH!



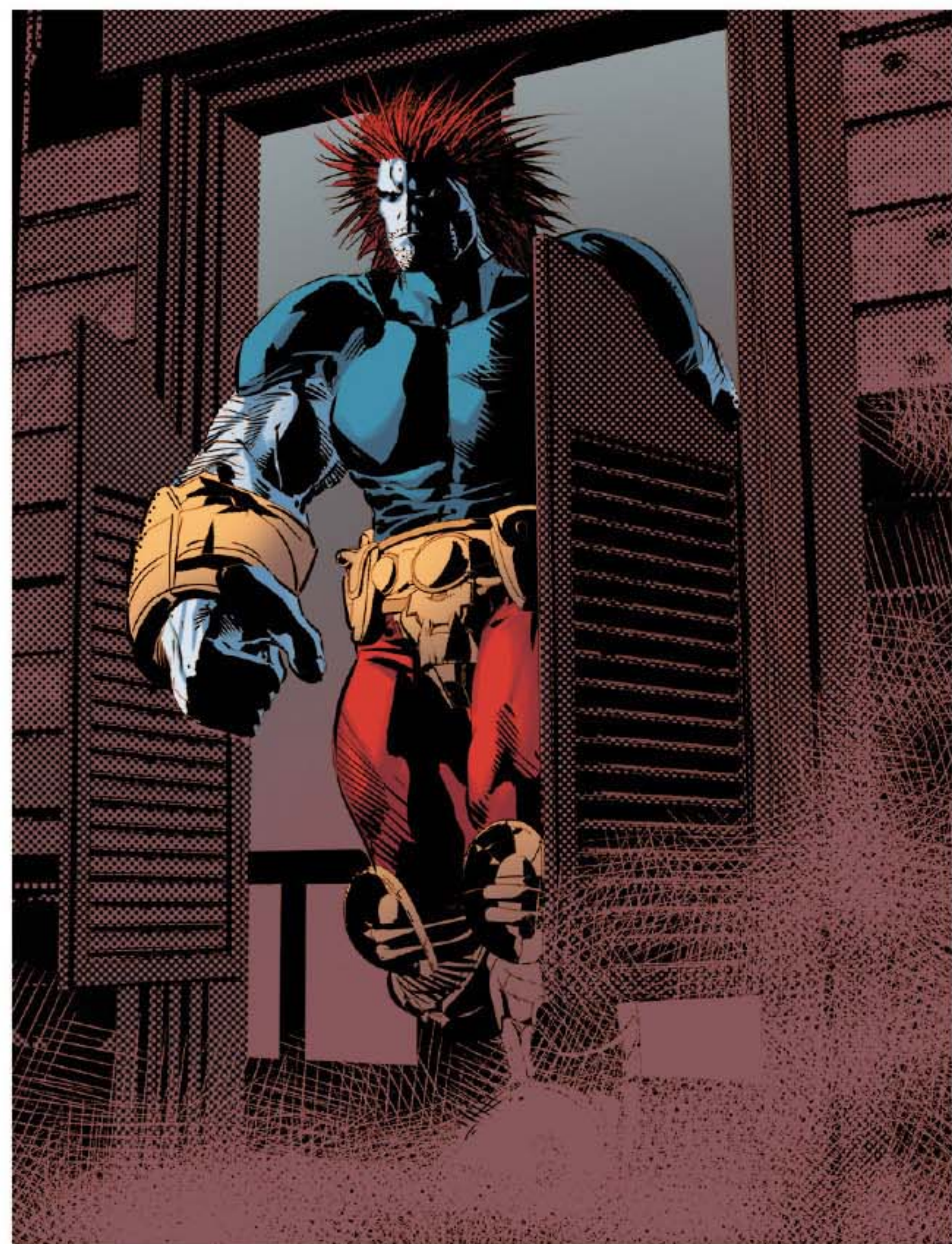








در همین زمان در  
سوی دیگر کهکشان یک  
قهرمان پی شکار می رود...



اون  
کجاست؟

کی  
کجاست؟



می دونی  
کی.



ببین رفیق این محل برای مشتری هاییه  
که پول می دن. نمی خوام اینجا  
ارک ببینم.

یه بار دیگه  
ازت می پرسم.  
کجاست؟



اتاق  
پشتی.



من نیومدم  
وقتتم رو صرفه  
هوسرانی کنم. من...

می دونم  
تو کی هستی تریکو  
اسلتروس، کسی که خودشو  
قهرمان جهان  
می دونه.

دارم به  
این موضوع فکر می کنم که  
از کجا به این نتیجه رسیدی که یکی  
از قهرمانان نیستی و تنها قهرمان  
جهان هستی. این عنوان  
زیادی برات بزرگه.



اوه؟ در مورد  
تو بهتر نیست اسمتو  
بذاری استار فاکس  
(روباه ستاره ها؟)



تو این مورد  
پوزمو زدی تریکو.

به من ماموریت  
داده شده تا تو رو پیش تاینان  
ببرم. حالا می تونیم کل روز اینجا  
با هم چونه بزنینم. یا با هم بجنگیم. یا  
اینکه پاشی آماده بشی و با  
من بیایی.



ماموریت؟  
کن بهت ماموریت  
داده؟



برادرزاده ات.

تین  
می خواد تو رو ببینه استارفاکس.  
و دوست نداره منتظر بمونه.

در بلک کوادرنٹ کوروس گلیو در حال جنگ است.

# CLANG

یا حداقل تلاش می کند.

UNGH!

تو این بخش رو ترک کردی تانوس! تو این مکان رو به امان خود رها کردی!

من... فقط می خواستم چیزی از خودم داشته باشم. حتماً درک می کنی.

درک کنم؟ فقط اینو درک می کنم که چیزی رو مال خود کردی که مال خودت نبود. اینو درک می کنم که پاتو از گلیمت دراز کردی کوروس گلیو.



شمشیر من!  
اگه اونو نابود کنی، منو  
نابود می کنی. لطفاً رحم  
کن.

الان التماس  
می کنی؟



اگه جرأت  
بیشتری از خودت نشون  
می دادی، می بخشیدمت  
کوروس.

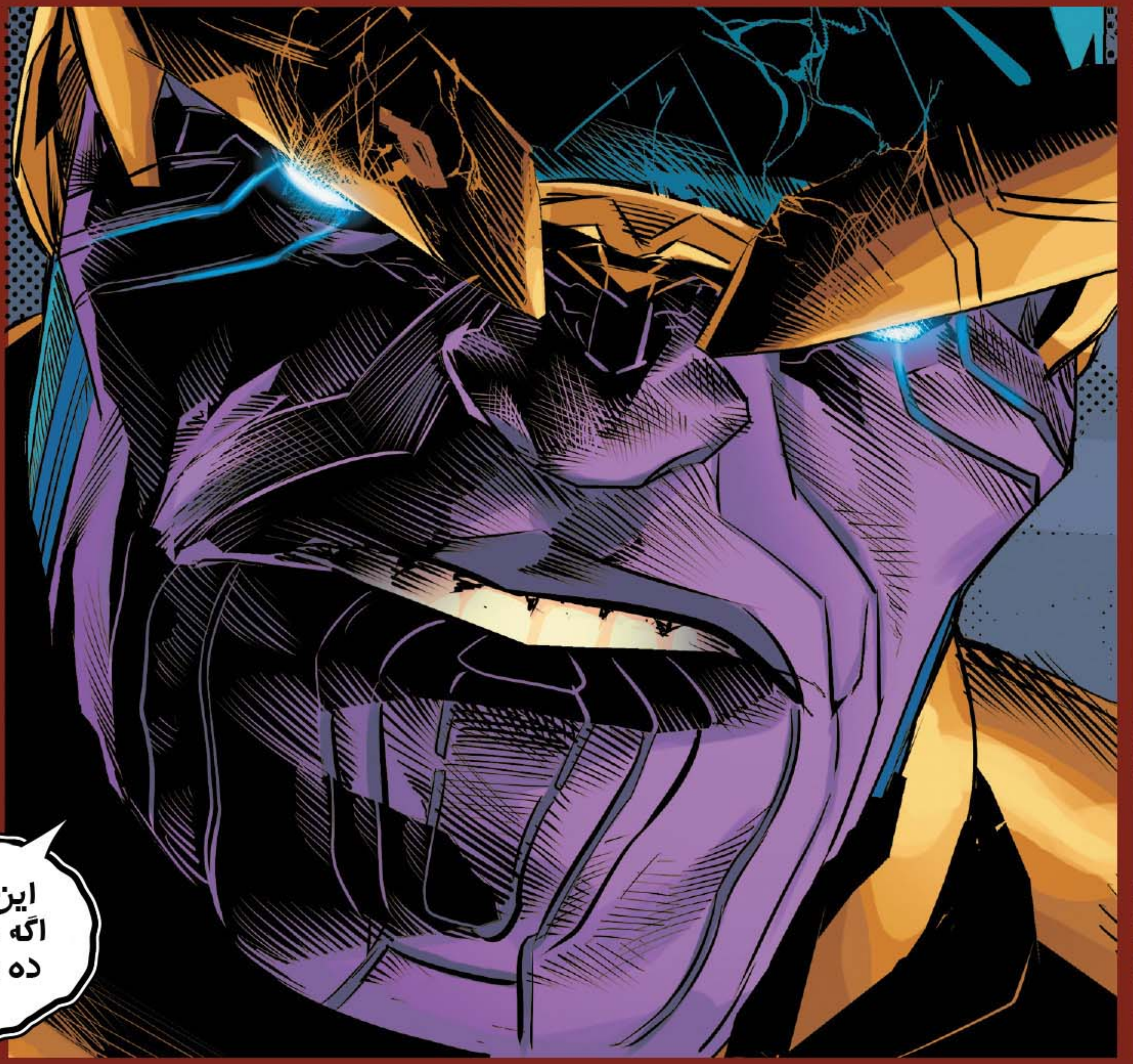
KR  
KR  
KR



ولی تو یه  
زمانی به من وفادار  
بودی و این برای من  
مهمه. پس به تو  
حق انتخاب می دم  
کوروس کلیو...



... با از بین  
رفتن شمشیرت بزودی  
می میری. پس می تونی  
خودت، خودت رو بکشی  
یا اینکه بذاری من کارتو  
تموم کنم.

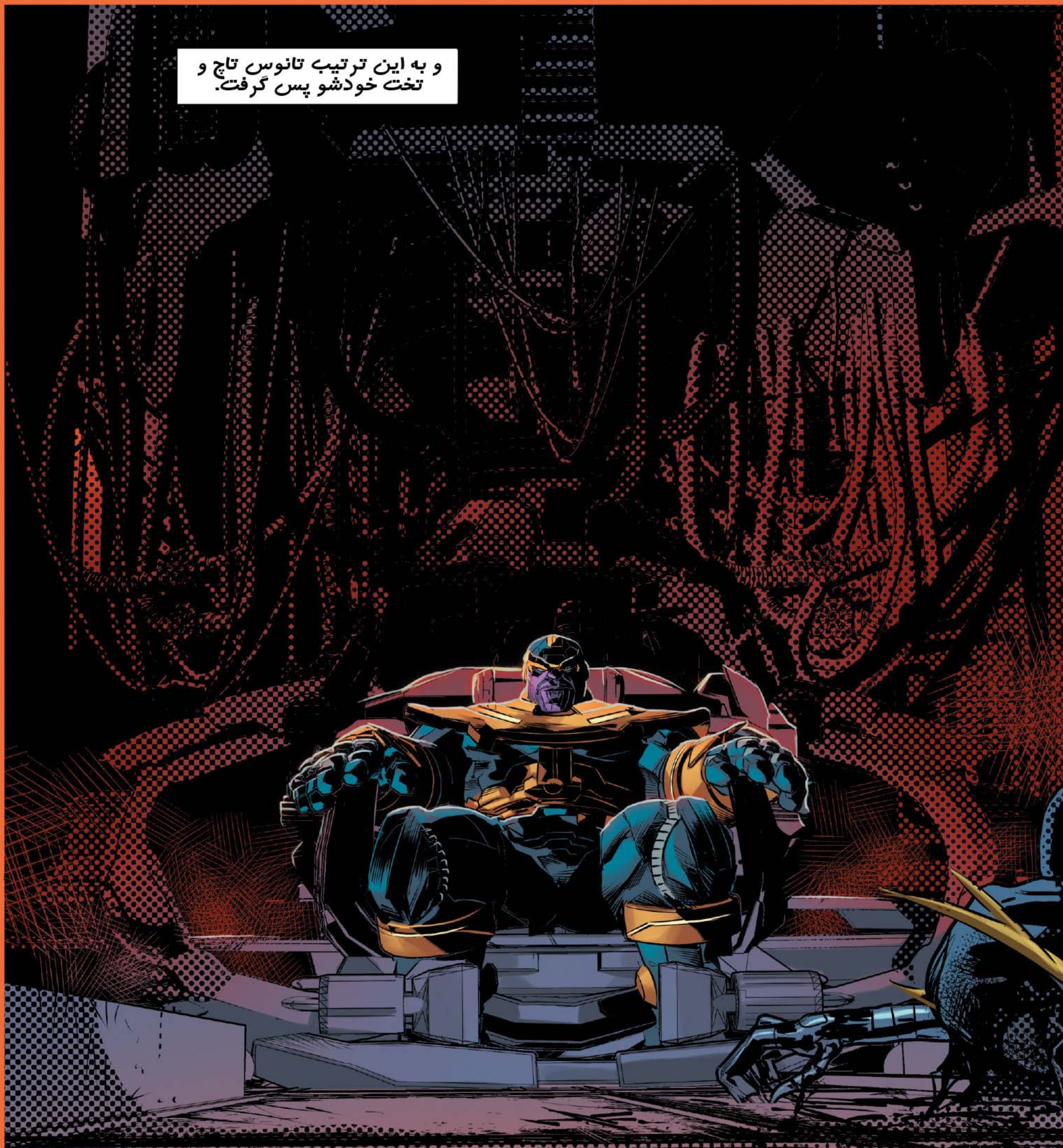


اشتباه نکن  
این ترحم منه. چون  
اگه من این کارو بکنم  
ده برابر بیشتر عذاب  
می کشی.





و به این ترتیب تانوس تاج و تخت خودشو پس گرفت.



ولی اوضاع مناسب نیست. چون در دوردست ها یک سری از وقایع اتفاق افتاده که جریان جدیدی به راه انداخته است...

...و اگرچه هنوز خود آنها هم متوجه نشدند، ولی نابودگران واقعی کهکشانشان به عنوان متحد در کنار هم جمع می شوند.

توقع داری با این پرواز کنم؟!

من اروس هستم، یکی از اترنالهای تایتان، پسر منتور و سوی-سان. من به انتقام جو بودم. من با این ابوقراضه پرواز نمی کنم!

لوس بازی رو تموم کن استار فاکس.

لوس بازی؟

تو شاید بتونی همه رو با این داستان هایی که از شاهزادگی خودت می گی گول بزنی یا بعضی از افرادی که طرفدار ماجراجویی هستند.

تو باهوش تر از اونی هستی که همه به حساب میارن. تو از نمایشش برای خلع سلاح همه استفاده می کنی و از شون سو استفاده می کنی. ولی من گولتو نمی خورم.

تریکو اسلاتروس... فکر نمی کنم زیاد ازت خوشم بیاد.

منم همینطور. حالا خفه شو و سوار سفینه شو. قبل از رسیدن به تایتان به جای دیگه باید بریم.



من چرا باید با تو همراه  
باشم؟ اصلاً برام مهم نیست که  
برادرزاده ام تین چی  
می خواد بهم بگه.

منم.

خوب  
پس برای چی براش  
کار می کنی؟

من خیلی  
عمر کردم اروس. و  
بر خلاف تمسخر تو  
من یه قهرمان  
محسوب می شم.

صدها سال

به همه جای جهان  
رفتم و هر کس و هر  
چیزی رو به چالش کشیدم.  
من این کارو می کنم  
که خودمو ثابت کنم.  
این کارو می کنم  
چون می تونم.



و حالا  
برادرزاده ات به من  
بزرگترین چالش رو پیشنهاد  
کرده. اون فکر می کنه  
که امکان داره به تو  
نیاز داشته باشیم.

اوه راست می گی؟ این  
چالش بزرگ چیه؟

چی نه. کی.

نشیدی؟  
برادرت برگشته.

ما قراره  
خود تانوس رو  
بکشیم.

اگرچه تریکو اسلاتروس با حرفهایش ممکنه اروس رو شوکه کرده باشه، ولی واقعیت اینه که مرگ و تانوس با هم غریبه نیستند.

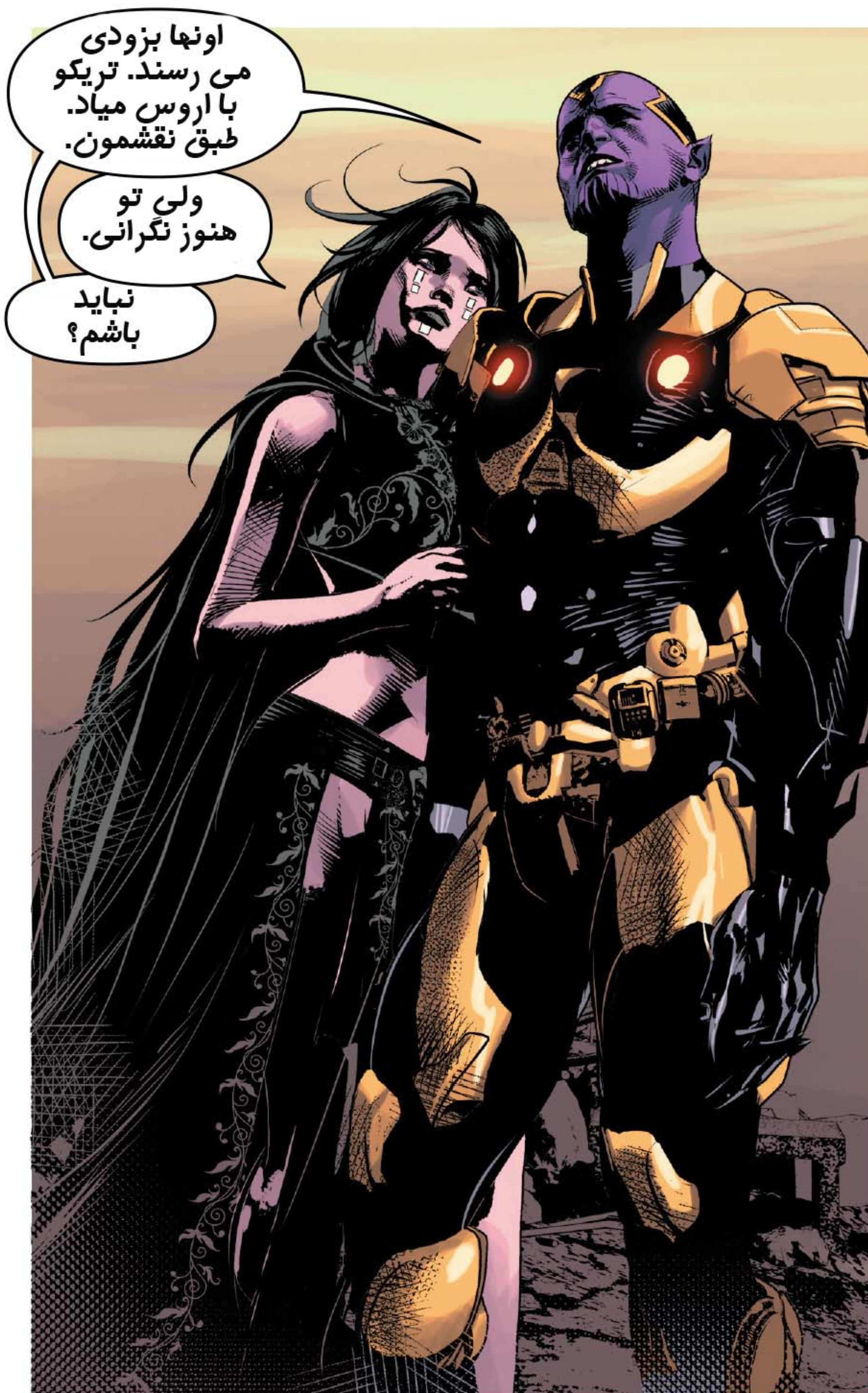
بزرگترین مدرک برای این قمر تایتان است. روزگاری این قمر خانه نژاد بزرگ اترنال ها بود، ولی الان بدست تانوس به ویرانه ای تبدیل شده...

و در اینجاست که تین، پسر تانوس منتظر تریکو و نیروهاییه که برای برگردوندن او فرستاده شدند ولی اون تنها نیست...

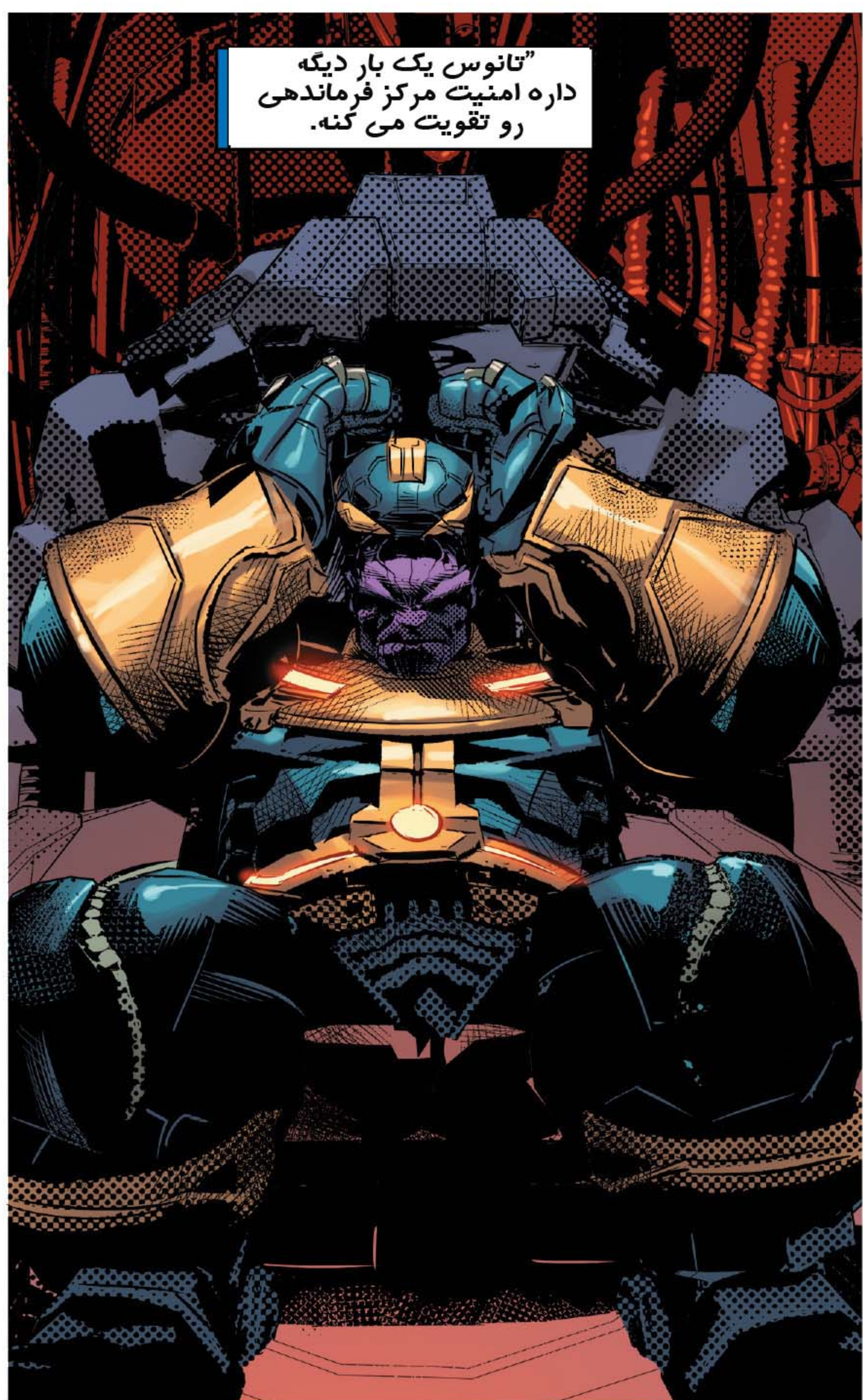
چون به نظر می رسه که مرگ تین رو پیدا کرده.

متوجه ات نشدم.

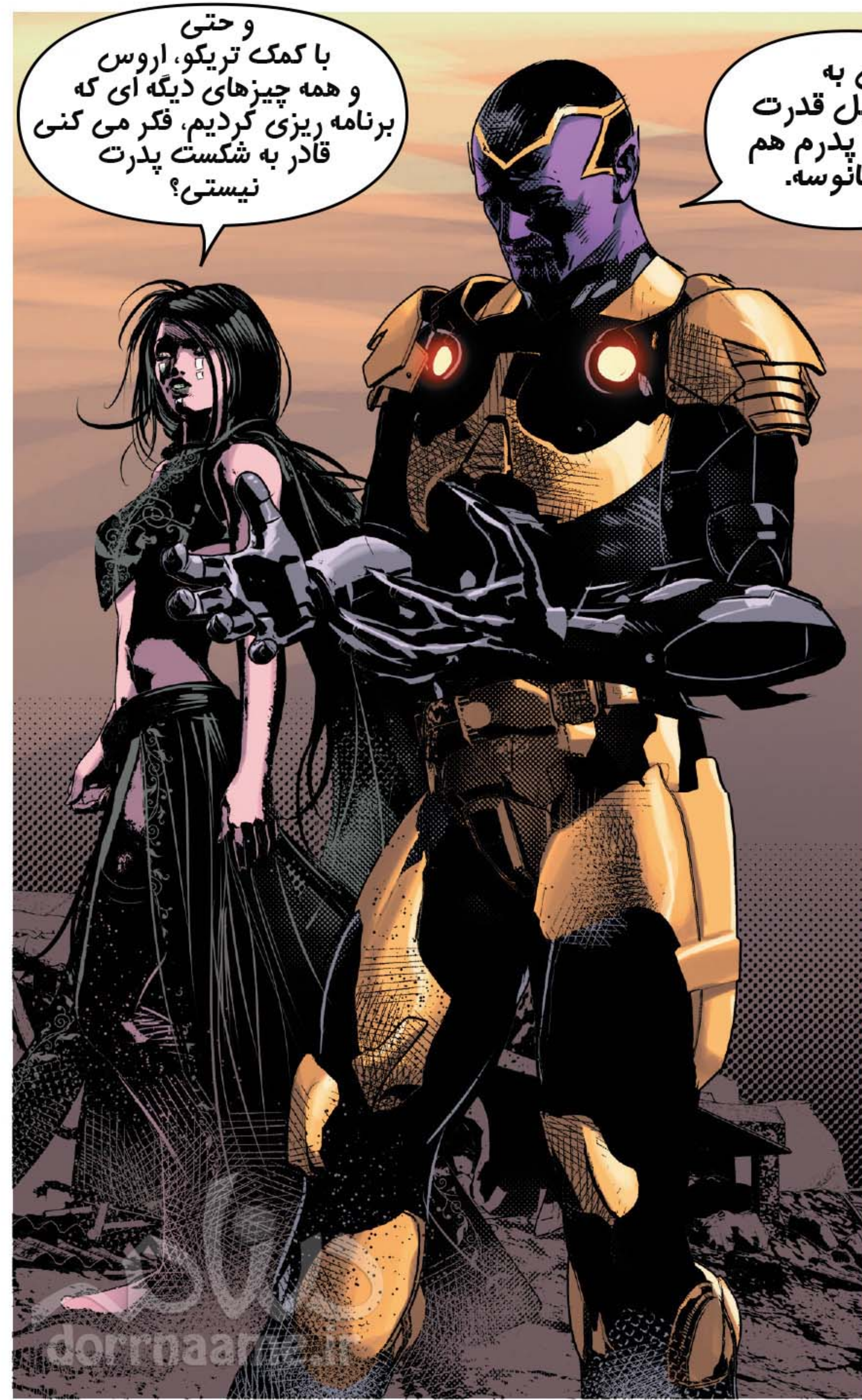
هیچکس متوجه ورود من نمی شه.



اونها بزودی  
می رسند. تریکو  
با اروس میاد.  
طبق نقشمون.  
ولی تو  
هنوز نگرانی.  
نباید  
باشم؟



"تانوس یک بار دیگه  
داره امنیت مرکز فرماندهی  
رو تقویت می کنه.



و حتی  
با کمک تریکو، اروس  
و همه چیزهای دیگه ای که  
برنامه ریزی کردیم، فکر می کنی  
قادر به شکست پدرت  
نیستی؟

من به  
اندازه قبل قدرت  
ندارم. و پدرم هم  
که... تانوسه.



"اون عملاً  
یک خداست."



تو زیادای  
نگرانی تین.



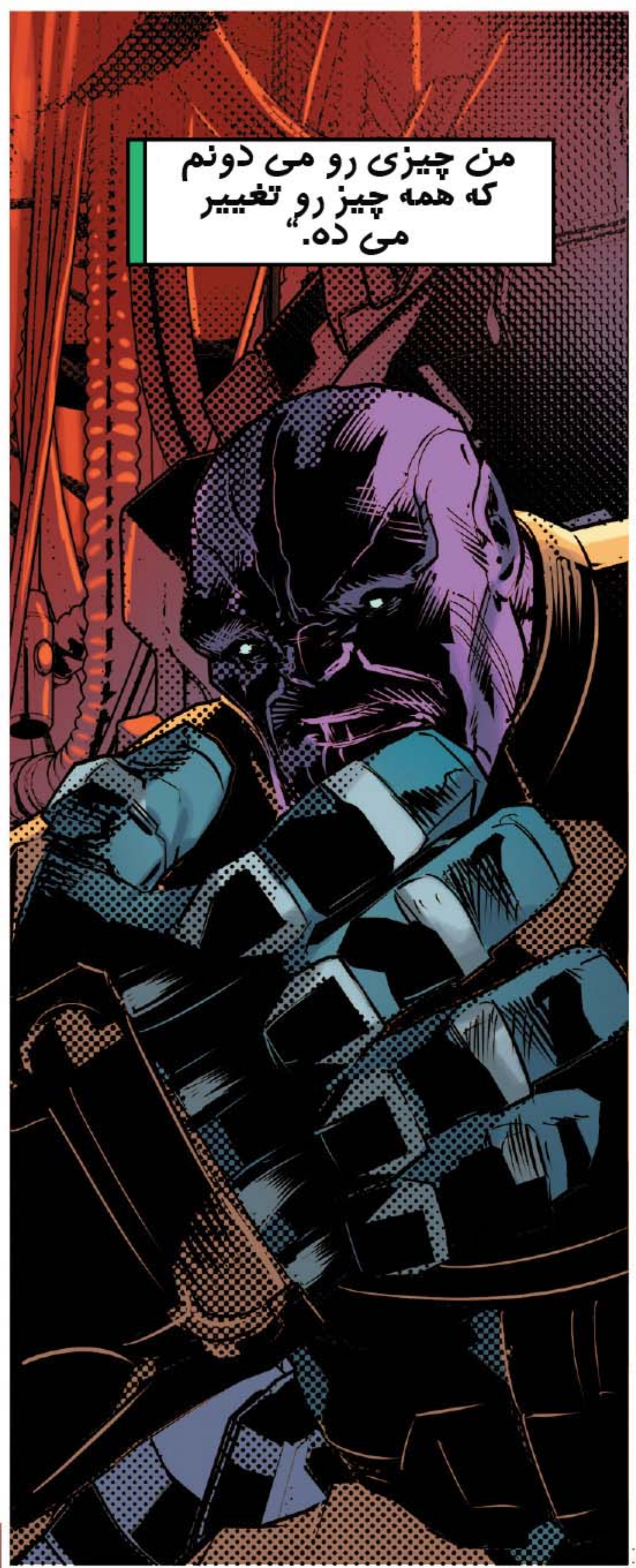
وقتی چند ماه  
پیش تو رو پیدا کردم  
بهت گفتم که مراقب همه  
چیز هستم. تو به من  
اعتماد نداری؟

نه.

خوب من  
نمی تونم تو رو بخاطر  
این مسئله سرزنش کنم.  
فکر کنم بهترین راه بدست  
آوردن حس اعتماد تو  
اینخ که یه رازی رو  
بهت بکم.



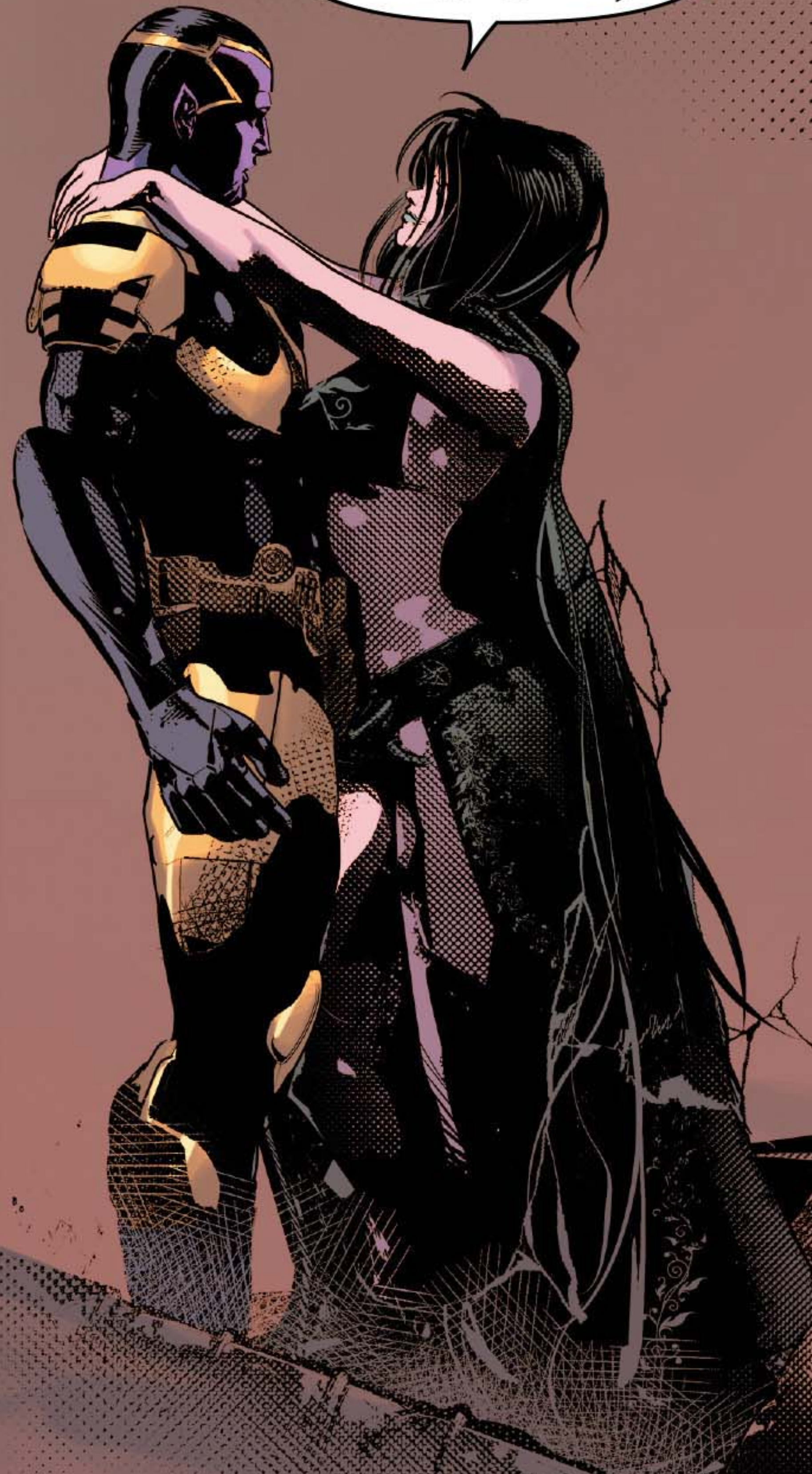
”من چیزی رو می دونم  
که هیچکس دیگه ای  
تو دنیا ارزش خبر نداره...“



من چیزی رو می دونم  
که همه چیز رو تغییر  
می ده.

چی؟  
بهم بگو.

ساده است.  
حق با توه. تانوس یه  
خداست. ولی غیرممکن  
داره اتفاق می افته...



...تانوس  
داره می میره.

ادامه دارد...

